

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۲ دسمبر ۲۰۲۲

## درگیری های جدید در سپین بولدک!؟

(۱)

یکشنبه- ۲۰ قوس ۱۴۰۱ - کابل: از طریق خبرها اطلاع یافتیم که امروز بعد از ظهر بار دیگر درگیری بین نیروهای مرزی طالب با نیروهای مرزی پاکستان صورت گرفته که در اثر آن ۶ تن پاکستانی کشته و تعدادی هم زخمی شده اند. در حالی که تا حال طرف طالب از تعداد تلفات خود چیزی یاد نکرده، مسؤلیت آغاز درگیری را بر دوش نظامیان پاکستان گذاشته ادعا دارد که گویا آنها مانع ساختن یک پاسگاه مرزی در نوار دیورند شده، به تیراندازی آغاز نمودند. عکس نیروهای طالب، دولت پاکستان و مرزبانان آن طالب را به تیر اندازی بی دلیل و ناگهانی متهم نموده اند. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

در گیریهای مرزی در تمام نوار خط فرضی دیورند با پاکستان و خط "گولد سمت" در ولایت های نیمروز و فراه، کلاً دو منشأ دارند. یکی ترکیب نفوس منطقه ئی آن مناطق و دیگری سیاست دولتهای اطراف مرز ها. از آنجائی که خط فرضی دیورند به مثابه خنجری یک پیکرواحد را در تمام طول خود از میان دریده و دو پارچه ساخته است، مسلم است که این تجزیه به زور نه تنها تاحال هیچ گاهی از طرف باشندگان محل در هر دو طرف خط مورد پذیرش قرار ننگرفته، بلکه من بعد نیز بدون در نظر داشت سیاست دولتهای دو طرف مرز، مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت.

به صورت مثال در منطقه سپین بولدک و چمن. این که دولتها نام منطقه را تغییر داده اند به هیچ صورت بدان معنا نیست که ترکیب نفوسی قومی واحد منطقه را نیز تغییر داده توانسته باشند. می دانیم که در هر دو طرف مرز در آن منطقه قوم "اچکزائی" یکی از پرنفوسترین و قوی ترین شاخه های "درانی" امرار حیات می نمایند. پیوند خونی بین تمام "اچکزائی" ها باعث شده است که آنها علی رغم سپری شدن حدود ۱۵۰ سال از عمر خط فرضی دیورند، تا هنوز روابط اجتماعی، اقتصادی و نظامی بین باشندگان دوطرف خط را به همان قوت اولی حفظ نمایند.

یعنی آنها به همان سان که در طول اینهمه سال فعالیت های مشترک اقتصادی داشته اند و در این فعالیت به جز منافع قوم خود، به منفعت دولتهای دوطرف خط کمترین ارزش قایل نشده اند، بعد از خیزش بحق مردم ما علیه نوکران و دست نشاندگان شوروی متوفا در طرف افغانستان، کتله های وسیعی از قوم "اچکزائی" به آن سمت خط رفته، با ایجاد

پایگاه های نظامی عقب جبهه مستحکمی برای خود در جنوب خط فرضی دیورند به وجود آوردند. این رابط و مناسبات تا همین یک سال قبل که امپریالیسم امریکا و شرکاء حاکمیت را به طالب سپردند، بر همین منوال دوام یافت. اینک که اوضاع تا حدودی معکوس گردیده در شمال خط فرضی دیورند طالب حاکم است و در جنوب آن، تحریک طالبان پاکستان به مبارزات مسلحانه اش علیه دولت پاکستان ادامه می دهد، ناگزیر تعدادی از اعضای تحریک، حین فرار از تعقیب ارتش پاکستان به اقوام خود در افغانستان پناه آورده، از این مناطق به حیث پایگاه و پشت جبهه استفاده می نمایند.

در اینجا درگیری زمانی رخ می دهد که دولت پاکستان از موضع یک دولت به خود حق می دهد که حین تعقیب مخالفان مسلح آنها را تا داخل خاک افغانستان تعقیب نموده با گلوله باری و راکت اندازی یک تقابل نظامی را به وجود بیاورند. کاری که طرف افغانی نه تنها در طی ۲۰ سال اشغال کشور به وسیله امریکائی ها و شرکاء حتا در زمان اشغال کشور به وسیله شوروی متوفا نیز به تعقیب باندهای مسلح آمده از پاکستان نپرداختند. از این بحث نتیجه گرفته می توانیم:

\*- تا زمانی که قضیه دیورند راه حل عادلانه و مطابق خواست باشندگان دوطرف خط فرضی نیابد و چگونگی روابط و آمد و رفت باشندگان دو طرف خط را قانونمند نگردد، این رفت و آمد هیچ گاهی خاتمه نخواهد یافت، به خصوص وقتی در دو طرف خط فرضی و یا یکی از آنها شعله های جنگ زبانه بکشد، کاملاً طبیعی است که آمد و رفت افراد مسلح ادامه خواهد یافت؛

\*- دولت پاکستان و نظامیان آن کشور سرانجام باید بپذیرند که داشتن چند عدد بمب اتمی به آنها این حق را نمی دهد که به بهانه تعقیب مخالفان مسلح، مرزهایی را که خودشان آن را رسمی می دانند زیر پای نموده، روزی با باران گلوله، زمانی با پرتاب راکت و وقتی دیگر با اعزام سربازان مسلح به تعقیب این و یا آن فرد ویا قوم، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی در افغانستان را نقض نمایند؛

\*- این که ما با طالب موافق باشیم و یا مخالف، در اصل یک نکته هیچ تفاوتی به وجود نمی آورد و آنهم احساس مسؤولیت در قبال برادران آن طرف مرز می باشد. یعنی زمانی که افرادی از آن طرف خط، تحت تعقیب نظامیان پاکستان که برای برتری قومی پنجابی ها از انجام هیچ جنایتی دریغ نمی ورزند، قرار می گیرند و به وطن ما پناه می آورند گذشته از روابط خونی، وظیفه انسانی ما حکم می نماید که با راه دادن به آنها در خاک ما، به حفظ جان آنها کوشا باشیم.

هموطنان گرامی!

هرگاه از چنین منظری به قضیه درگیری های مرزی میان افغانستان و پاکستان نظر اندازیم، باید با صراحت بگوئیم که دفاع از تمام جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلبانه ملی و طبقاتی از وظایف تخطی ناپذیر ما بوده، مکلف هستیم از چنین جنبش هایی در هر گوشه ای از جهان که رخ دهد با تمام قواء حمایت نمائیم، به خصوص اگر بردارانی در میان باشد که توسط یک خط فرضی استعماری از پیکر کشور ما جدا ساخته شده باشند.

ادامه دارد

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**